

## تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری گردیزی در زین الاخبار



سیمما فولادپور

دانشجوی دکتری ایران‌شناسی  
دانشگاه شهید بهشتی

### چکیده

زین الاخبار یا تاریخ‌گردیزی، نخستین اثر مستقل تاریخی به نثر فارسی است و به همین دلیل از اهمیت زیادی در پژوهش‌های مربوط به تاریخ‌نگاری فارسی برخوردار است. این اثر همچنین به دلیل اهمیتی که مؤلف آن برای تاریخ ایران پیش از اسلام و فرهنگ ایرانی قائل بوده و اطلاعات خاصی که در زمینه فرهنگ‌های مختلف در اختیار مخاطب قرار می‌دهد، بسیار قابل توجه است. اگرچه اطلاعات جانبی ما از این کتاب و مؤلف آن، اندک است اما به دلیل اهمیت آن در سیر تاریخ‌نگاری فارسی و ایرانی، بر آن شدیم که بر مبنای خود متن، به بررسی تاریخ‌نگری و شیوه تاریخ‌نگاری گردیزی بپردازیم تا از این راه، هم به شناختی بهتر از کتاب برسیم و هم جایگاه و اثر آن را در سیر تاریخ‌نویسی ایران، بهتر درک کنیم. انصاف، ایجاز، انتظام و پیوستگی از مهم‌ترین ویژگی‌های تاریخ‌نگاری این اثر هستند. دیدگاه تقدیرگرایانه، عدم اعتقاد به اطاعت بی‌چون و چرای پادشاهان و اهمیت ایران و اندیشه ایرانی نیز از ویژگی‌های تاریخ‌نگری گردیزی به‌شمار می‌آیند.

### کلمات کلیدی

زین الاخبار، تاریخ‌گردیزی، عبدالحی گردیزی، تاریخ‌نگری، تاریخ‌نگاری.

## مقدمه

**تاریخ گردیزی یا زین الاخبار** در حدود سال ۴۴۲ق به نگارش درآمد و تاریخ عمومی فشرده‌ای است که در نوزده بخش تدوین شده است. پنج بخش اول آن، با عنوان «طبقه» به تاریخ ایران پیش از اسلام، از تهمورث و جمشید تا واپسین شاهان ساسانی، اختصاص دارد. «باب» ششم و هفتم که مفصل‌ترین بخش‌های این کتاب هستند، به اخبار خلفا و امرای اسلامی، از پیامبر اسلام تا القائم بالله می‌پردازند. آخرین رویدادی که در این بخش به آن پرداخته شده، سلطنت امیرمسعود غزنوی و درگیری وی با ترکان سلجوقی است. مهم‌ترین بخش این کتاب از نظر تاریخی، همین دو باب است؛ خصوصاً بخش مربوط به امرای خراسان که به دلیل دسترسی مؤلف به کتاب گمشده ابوعلی سلامی، *اخبار ولایة خراسان*، و بخش مربوط به غزنویان که به دلیل همزمانی با مؤلف، اطلاعات دست اولی در اختیار مخاطب قرار می‌دهند. از باب هشتم به بعد، ساختار کتاب به نوعی دایرةالمعارف، شبیه به آثار ابوریحان بیرونی، تغییر می‌کند؛ به بررسی تواریخ دیگر و اعیاد گروه‌های مختلف، مانند جهودان و مجوسان و ترسایان، می‌پردازد؛ و درباره معارف و انساب اقوام مختلف توضیح می‌دهد. اطلاعات این بخش یکی از وجوه قابل توجه و اهمیت تاریخ گردیزی است. همچنین در این کتاب از صدها آبادی و شهر نام برده شده که در حوزه مطالعات جغرافیای تاریخی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار هستند. علاوه بر اهمیت تاریخی این کتاب، جایگاه آن به‌عنوان نخستین اثر تاریخی مستقل به زبان فارسی و نقش آن در تاریخ تحول نثر فارسی، از دیگر دلایلی است که پرداختن به آن را حائز اهمیت می‌سازد.

از نویسندگان زین الاخبار، جز آنچه در کتابش آمده و خود را در فصل نوزدهم، عبدالحی بن الضحاک بن محمود گردیزی معرفی کرده، اطلاع بیشتری نداریم. نام کتاب و نویسنده آن، در پشت جلد یکی از دو نسخه خطی موجود این کتاب آمده است. تصحیح و انتشار این اثر، مسیر پرفرازونشیبی را طی کرده و تا مدتها فقط بخش‌هایی از آن منتشر شده بود تا زمانی که عبدالحی حبیبی، بر اساس دو نسخه آکسفورد و کمبریج، تصحیح و تحشیه آن را بر عهده گرفت. پس از وی نیز رحیم رضازاده ملک این کتاب را در سال ۱۳۸۴ بازتصحیح و منتشر کرده است.

## ۱) تاریخ‌نگری

برای مفهوم «تاریخ‌نگری» تا کنون تعاریف متفاوتی ارائه شده، اما تعریفی مشخص و مورد وفاق اکثریت به دست داده نشده است. آنچه ما در این مقاله از تاریخ‌نگری مورد نظر داریم، نگرش مؤلف به تاریخ و چیستی و چگونگی آن است که از خلال نقل قول‌ها و اظهار نظرهای وی و چگونگی تعلیل حوادث، قابل ردیابی است. تاریخ‌نگری هر نویسنده‌ای، بازتاب و تابعی از جهان‌بینی اوست، و از آنجا که جهان ایرانی در روزگار گردیزی، از دو عنصر مهم دین اسلام و فرهنگ ایرانی تشکیل یافته بود، ما نیز در این دو ساحت به بررسی تاریخ‌نگری وی خواهیم پرداخت.

## ۱-۱) معرفت دینی

پس از رحلت پیامبر<sup>(ص)</sup>، بحث و مناقشه بر سر مسائل عقیدتی در جامعه اسلامی آغاز شد که اولین آنها درباره موضوعاتی چون جانشینی پیامبر<sup>(ص)</sup> یا امامت، قدم و حدوث، و جبر و اختیار بود (ترکمنی آذر، ۱۳۹۵: ق). با گسترش فتوحات و آشنایی مسلمانان با عقاید و فرهنگ‌های دیگر، این مناقشات اشکال مختلفی به خود گرفتند، به‌صورت فرقی مختلف کلامی و فقهی نمود یافتند و به بارزترین وجوه معرفت دینی نزد اندیشمندان مسلمان تبدیل شدند.

### ۱-۱-۱) علم کلام

منطقه‌ای که گردیزی در آن می‌زیسته، از مهم‌ترین کانون‌های تفکر مآثریدی بوده و به همین دلیل می‌توان حدس زد که این تفکر بیشترین تأثیر را بر افکار و تاریخ‌نگاری وی داشته‌است. مآثریدیه فرقه‌ای کلامی بود که قصد داشت حد میانه کلام معتزلی و اشعری را نگه دارد و پیروان این مکتب گاهی به اصل تقدیر مطلق و گاهی به اهمیت تدبیر انسان اشاره داشته‌اند (همان، ۲۵).

گردیزی گرچه در جای‌جای کتاب خود به تعلیل حوادث می‌پردازد؛ ولی این تعلیل بیشتر جنبه ماورایی دارد و در بسیاری مواقع، دلیل اتفاقات را جادو، معجزه، حوادث اساطیری و گاهی حوادث طبیعی دانسته‌است. از دیگر سو، وی رفتار و اعمال افراد انسانی و حکام را در وقوع حوادث مؤثر می‌داند و گاهی از تدبیر مردم و تأثیر آنها در پایان دادن به ظلم یاد می‌کند؛ اما این تدبیر نیز کاری نیست جز دعا کردن به درگاه خداوند. به این ترتیب می‌توان گفت که از نظر وی، خواست مردم نیز از طریقی ماورایی جاری شده و اعتقاد به تقدیر در آن به چشم می‌خورد.

همچنین در *زین الاخبار*، بارها با عباراتی نظیر «قضا آمده‌بود، هیچ نتوانست کرد» یا «هنوز قضا نیامده‌بود» برخورد می‌کنیم که بیانگر اهمیت تقدیر نزد گردیزی است. علاوه بر این، وی هر کجا از تعلیل زمینی حوادث باز می‌ماند، آن را «آسمانی» تعبیر می‌کند. از کنار هم قرار دادن این شواهد، می‌توان نتیجه گرفت که گردیزی احتمالاً پیرو یا متمایل به مکتب کلامی مآثریدی بوده‌است.

### ۱-۱-۲) علم فقه

«علم فقه می‌تواند راهنمای زندگی جمعی جامعه اسلامی باشد و بدین لحاظ می‌تواند با تاریخ که گزارش‌هایی است از زندگی جمعی بشر، رابطه‌ای تنگاتنگ داشته باشد.» (ترکمنی آذر، ۱۳۹۵: ۳۱) یکی از مباحث مهم مطروحه در این مقوله، مسأله اداره و فرمانروایی بر جامعه اسلامی است که خصوصاً موجب به‌وجود آمدن فرق مختلف فقهی شده و مسأله جانشینی پیامبر و امامت از مسائل مورد مناقشه آنهاست. در تاریخ نیز مسأله حکومت از اهمیت خاصی برخوردار است و سوگیری و اظهار نظرهای نویسنده می‌تواند در تشخیص فرقه مورد اعتقاد وی مؤثر باشد.

از خلال اظهار نظرهای گردیزی در مورد حکام و خلفا، میتوان دریافت که وی، عدل و داد را لازمه اطاعت رعیت از پادشاه می‌دانسته و اعتقادی به اطاعت بی‌چون و چر از پادشاهان نداشته؛ بلکه قیام در برابر حاکم فاجر و ظالم را مجاز می‌دانسته‌است. از آنجا که این خصوصیات، جزو مشترکات سه فرقه حنفی، معتزلی و ماوردی هستند و خود گردیزی اشاره مستقیمی به مذهب خود نمی‌کند؛ نمی‌توان به قطع و یقین عقیده و مکتب فقهی وی را مشخص کرد.

باید به این نکته توجه کنیم که گردیزی، فرستادن فرمان و عهد و لواء از جانب خلیفه برای امیران ایرانی را به رسمیت می‌شناسد، از ارتباط خلیفه و محمود غزنوی به نیکی یاد می‌کند و جنگ‌های وی را در زمره جنگ‌های مذهبی به‌شمار می‌آورد. این پذیرفتاری حکومت دنیوی در کنار و زیر لوای حکومت دینی خلیفه، از ویژگی‌های بارز نظریه‌پردازی‌های اخباریانی چون امام محمد غزالی و امام الحرمین جوینی است که از مقبولیت خاصی در دوره نزدیک به گردیزی برخوردار بوده‌اند و به نظر می‌رسد بر وی تأثیر گذاشته‌باشند.

انتقاد گردیزی از دوران حکومت آل بویه و اعتراض وی به خلع خلیفه، شواهد مستدلی هستند که ثابت می‌کنند وی قطعاً شیعه نبوده و تمایلی به این فرقه نداشته‌است؛ اما باید توجه داشت که وی در کتاب خود بارها به حضرت علی<sup>(ع)</sup> و اهل بیت اظهار ارادت می‌کند. همچنین به جایگاه ابومسلم توجه ویژه دارد و هیچگاه درباره فرق مختلف یا تحركات و قیام‌ها، زبان تندی به کار



نمی‌گیرد که نشانگر انصاف و اعتدال وی است.

### ۱-۳) ادیان ایران باستان

ادیان ایران باستان، خصوصاً دین زرتشتی، پس از اسلام نیز به حیات خود ادامه دادند و در فرهنگ جامعه ایران نقش ایفا کردند. بنابراین توجه کردن یا نکردن به آنها توسط یک مورخ، از بینش و دیدگاه او نسبت به معرفت دینی نشأت می‌گیرد. گردیزی در این مورد نیز بدون تعصب عمل کرده و در بخش مربوط به ایران باستان، توضیحاتی درباره ادیان ایرانی از جمله دین زرتشتی، مانویت و مزدکی، ارائه کرده و به‌ویژه در باب سیزدهم و چهاردهم کتاب خود، به تفصیل و بدون سوگیری منفی، به تشریح اعیاد و رسم‌های مغان پرداخته‌است.

### ۱-۲) اندیشه ایرانی

زین‌ال‌اخبار کهن‌ترین تاریخ مستقل به نثر فارسی است و همین نکته، نشان‌دهنده اهمیت ایران و اندیشه ایرانی در ذهن مؤلف آن می‌تواند باشد. گردیزی فصول نخستین کتاب خود را به تاریخ ایران پیش از اسلام اختصاص داده و آن را بر اساس اساطیر ایرانی از تهمورث و جمشید آغاز کرده؛ پس از پرداختن به کیانیان و ملوک طوایف، به تاریخ ساسانیان و اکاسره پرداخته؛ و سپس در فصولی جداگانه، تاریخ خلفا و ملوک اسلام را به‌اختصار بیان کرده‌است. این شکل از ترکیب فصول و مطالب، اهمیت عنصر ایرانی و ایرانی‌گرایی وی را در کنار اسلام‌گرایی نشان می‌دهد و بیانگر این مطلب است که گردیزی به اندیشه ایرانی تعلق و وابستگی داشته و ای بسا که قصد وی از تألیف زین‌ال‌اخبار نیز، همراه کردن تاریخ ایران و اسلام با یکدیگر بوده‌باشد. وی در اثر خود، که به نوعی تداوم جریانی است که بلعمی آغاز کرده‌بود، تلاش می‌کند تا تاریخ دو قوم ایرانی و عرب را در موازات یکدیگر و سازگار و هماهنگ با هم بیان کند (شعبان‌زاده لمر، ۱۰۶).

گرچه ابواب پایانی تاریخ گردیزی، به آثار ابوریحان بیرونی شباهت دارند و از آنها بهره‌جسته‌اند اما باید توجه داشت که «گردیزی درست نقطه مقابل بیرونی است. اثرش را به زبان فارسی می‌نویسد. آداب و رسوم ایران باستان را به نقل از بیرونی بدون هیچ‌گونه ارزش‌داوری نقل می‌کند. بنابراین اندیشه تاریخی - سیاسی گردیزی در تقابل با اندیشه‌های تاریخی - سیاسی بیرونی و در راستای تاریخ‌نگاری بلعمی و حتی برخی مورخان ایرانی عربی‌نگار مانند دینوری، طبری، ابن‌مسکویه و ثعالبی در قرون نخستین اسلامی بهتر قابل درک است. آنان با وجود آنکه کتاب‌های خود را به زبان عربی نگاشتند، خودآگاه یا ناخودآگاه ایران پیش از اسلام را به ایران پس از اسلام پیوند زدند و تاریخ ملی و هویت ایرانی را به‌طور مداوم و فعال در عرصه تاریخ زنده نگاه داشتند.» (همان، ۱۰۵)

می‌دانیم که آنچه از اندیشه و فرهنگ ایران باستان به دوران اسلامی انتقال یافت، بیشتر به واسطه ترجمه اندرنامه‌ها و خداینامه‌ها بود که موضوع بیشتر آنها به تصویر آرمانی پادشاه و نظام پادشاهی ایران اختصاص داشته‌است. بنابراین علاوه بر اتفاقات و وقایع تاریخ - چه اساطیری و چه تاریخی - آنچه در این زمینه اهمیت دارد، به تعریف پادشاهی آرمانی و ساختار جامعه مربوط می‌شود. این‌گونه مطالب، علاوه بر بخش مربوط به ایران باستان، در اظهار نظرهای گردیزی در تاریخ دوره‌های بعد نیز قابل ردیابی است.

### ۱-۲-۱) نظام پادشاهی ایرانی

گردیزی در شرحی که از اساطیر و تاریخ ایران باستان ارائه می‌دهد، پادشاهان را در تداوم و ادامه یکدیگر می‌داند. وی همچنین در بررسی خود، ارتباطی میان اساطیر ایرانی و سامی برقرار

می‌کند و برخی پیامبران را با پادشاهان ایرانی همدوره می‌داند؛ و بدین ترتیب، تداوم تاریخ و نظام پادشاهی در دوره پس از اسلام را نیز به‌نوعی تبیین می‌کند.

از نظر گردیزی، در تطابق با اندیشه ایرانی، شاه آرمانی پادشاهی عادل و قدرتمند است که به آداب و سنن گذشتگان احترام می‌گذارد. وی دستیابی به حکومت بر مبنای قدرت را مشروع می‌داند و برای تبیین این مسأله، بهرام و اشکانیان را مثال می‌زند و معتقد است همان‌طور که آنها به حکومت رسیدند، هر فرد دیگری که قدرت کافی داشته‌باشد، می‌تواند پادشاهی کند. وی همچنین اذعان دارد که بی‌عدالتی موجب ازهم‌گسیختگی امور و منجر به سقوط پادشاه می‌شود و در این راستا، سقوط یزدگرد را با مرگ هادی عباسی بر اثر برادرکشی، مقایسه می‌کند. البته باید توجه داشت که این موارد مانع از این نمی‌شود که وی به اهمیت نژاد پادشاهان تأکید کند و در موارد متعدد، پادشاهان بد را از نژاد دشمنان غیرپارسی، چون ترکان و دیوان، بداند.

گردیزی نه تنها در دوره اسلامی با توجه به نقش خلفا و سلاطین و رابطه آن‌ها، به اهمیت پیوستگی دین و دولت اشاره می‌کند؛ بلکه این پیوستگی را به‌عنوان سنتی ایرانی، در دوره‌های قبل نیز بسط می‌دهد و در تعلیل ضعف پادشاهی هرمز، به تبیین این اندیشه می‌پردازد و بی‌توجهی وی به مسائل دینی را دلیل کاهش قدرت وی می‌داند.

عنصر مهم دیگر در نظام حکومتی ایران باستان، وزیر است و گردیزی به این مهم اشراف کامل دارد و برای آن اهمیت زیادی قائل است. در همین راستا، وی نه تنها به وزرای عباسیان و نقش مهم خاندان برمکیان و کامگاریان می‌پردازد، بلکه برای پیامبران نیز وزرای معرفی می‌کند و از جمله، ابوبکر را وزیر پیامبر<sup>(ص)</sup> به‌شمار می‌آورد. این نکته علاوه بر اینکه اهمیت جایگاه و نقش تاریخی وزیر در دیدگاه و تاریخ‌نگاری گردیزی را نشان می‌دهد، می‌تواند به نوعی تلاش وی برای پیوند میان عناصر ایرانی و اسلامی به‌شمار بیاید.

## ۱-۲-۲) نظریه اجتماعی ایرانیان

«در اندیشه ایرانی، جامعه بر سه رکن اساسی لشکر، رعیت و خزانه استوار است که هر سه به هم وابسته‌اند و میانشان پیوندی منطقی و جدایی‌ناپذیر برقرار است. در رأس این سه رکن، شاه قرار دارد که ایجاد توازن میان سه رکن از وظایف اوست. در نگاه ایرانیان، شاه برای برقراری امنیت به لشکر نیاز دارد و برای داشتن لشکری مطیع و کارآمد، باید مواجب آنها را به‌موقع پرداخت کند که شرط آن، پر بودن خزانه است. خزانه را نیز رعیت تأمین می‌کند؛ از این رو، رعایت حال رعیت و عمران و آبادانی جامعه، تأمین‌کننده منافع اوست.» (ترکمنی آذر، ۱۳۹۲: ۱۰۹)

اهمیت این نظریه از دید گردیزی به‌وضوح در اثر او مشهود است و همه جا به لزوم رعایت حال رعیت و عدالت پادشاه اشاره می‌کند که البته دیدگاه رایج زمان وی و متأثر از اندیشه ایرانی بوده‌است؛ اما به‌طور خاص باید اشاره کرد که وی ذیل تاریخ جمشید اسطوره‌ای، ساختار جامعه ایرانی را توضیح می‌دهد و به جزئیات آن اشاره می‌کند و بدین ترتیب، پیوندی دیگر، میان جامعه اسلامی و ایران پیش از اسلام برقرار می‌سازد که پایه آن نشان دادن ریشه‌های این طرز فکر مبتنی بر جایگاه رعیت و لزوم توجه به آنها و تبیین ساختار جامعه ایرانی است.

## ۲) تاریخ‌نگاری

همان‌طور که پیش از این ذکر کردیم، تاریخ گردیزی به‌عنوان نخستین اثر تاریخی مستقل به نثر فارسی، در بررسی تاریخ‌نگاری فارسی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به همین دلیل، بررسی شیوه‌های تاریخ‌نگاری گردیزی در این اثر، هم در مطالعه سیر کلی تاریخ‌نگاری فارسی و هم برای شناخت بهتر تاریخ‌نگاری وی، اهمیت دارد.

## ۱-۲) تعریف تاریخ

موضوع اصلی تاریخ از نظر گردیزی، از نامی که برای کتاب خود برگزیده، به خوبی مشخص می‌گردد. به نظر می‌رسد که وی با انتخاب واژه «اخبار» برای نام کتاب خود، به این اشاره داشته که تاریخ از نظر او، شرح حال جوامع انسانی و رخدادهای مبتلابه جامعه است.

متأسفانه به این دلیل که ابتدای کتاب افتادگی دارد، نمی‌توانیم از هدف اصلی و مورد نظر گردیزی در نگارش تاریخش اطلاع قطعی به دست آوریم ولی با توجه به مطالب و شیوه فصل‌بندی کتاب و اهمیتی که برای گذشته و هویت ایرانی قائل شده‌است، می‌توان احیای هویت ایرانی را یکی از اهداف مهم وی به‌شمار آورد.

درباره انگیزه وی در تألیف این کتاب، مصحح آن، رضازاده ملک، به اندیشه‌های موعودگرایانه و هزاره‌گرایانه اشاره کرده؛ اما «ابن گمانه» با نوشته گردیزی هم‌خوانی ندارد. او هیچ‌آه و افسوسی از یورش تازیان و تسلط آنان بر ایران زمین سر نمی‌دهد و آرزوی تسلط همیشگی مسلمانان عرب بر «ایران‌شهر» را دارد. به نوشته او «مسلمانان ایران‌شهر بگرفتند و تا بدین غایت ایشان دارند و تا قیامت ایشان خواهند داشت؛ مَنَّةُ الله تعالی». گردیزی مورخی ایران-اسلام‌گراست. به نظر می‌رسد که با عوامل سیاسی نمی‌توان تاریخ گردیزی را توضیح داد. گردیزی به‌عکس عتبی و بی‌هقی درصدد جاودان‌سازی خاندان غزنوی نیست. در نوشتن تاریخ سیاسی/قدرت بسیار «خونسرد» است و جهت‌گیری‌های ارزشی و عاطفی از خود نشان نمی‌دهد. (بازورث، ۴۸) و احساسات و عواطف در روند تحریر تاریخ این خاندان چندان به چشم نمی‌خورد. بنابراین گردیزی، تاریخ و تاریخ‌نگاری را در جهت مشروعیت سیاسی خاندان ترک تبار به کار نمی‌گیرد. (شعبان‌زاده لمر، ۱۰۴)

## ۲-۲) منابع خبری

گردیزی هنگام نقل مطالب، کمتر به منابع خود اشاره می‌کند و به‌طور خاص، جز مواردی اندک، اهمیتی برای ذکر منابع مکتوب خود قائل نیست اما متخصصان امر، رد و نشان برخی از منابع وی از جمله آثار ابوزید بلخی، ابن خردادبه، ابن مقفع، جیهانی و بیرونی را در آثار او تشخیص داده‌اند. یکی از منابع مکتوب مهم گردیزی، کتاب مفقود اخبار ولایة خراسان است که در بخش مربوط به امرای خراسان از آن استفاده کرده و اطلاعات باارزشی از آن به دست ما رسانده‌است.

از دیگر منابع مکتوب گردیزی، میتوان به «کتاب‌های قدیم» اشاره کرد که وی به‌خصوص در فصول پنجگانه نخست کتاب خود از آنها استفاده کرده ولی نام و نشان آنها را به‌وضوح مشخص نکرده‌است. این کتاب‌ها می‌توانند بخشی از ادبیات دینی زرتشتی باشند که از طریق آنها به اساطیر ایران باستان، دسترسی یافته‌است. همچنین می‌توان حدس زد که وی به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌وسیله منابع دیگر، از مطالب خداینامه‌ها و تذکره‌های قدیمی بهره برده‌است.

وی همچنین، در جای‌جای کتاب خود، از عبارت «شنیده شده‌است» و «گفته شده‌است» استفاده می‌کند که بیانگر بهره‌گیری از منابع شفاهی و شنیده‌ها و روایات دوستان و مانند آنهاست اما از گوینده این اخبار، معمولاً نام نمی‌برد. یکی از موارد معدودی که وی به گوینده اشاره می‌کند، از عبارت «مغان می‌گویند» استفاده کرده که مشخص می‌سازد مغان زرتشتی منبع اطلاع وی هستند اما نمی‌توان مطمئن بود که این اطلاع را به‌صورت شفاهی از آنها کسب کرده‌باشد، بلکه ممکن است این جمله به آثار مکتوب زرتشتیان اشاره داشته‌باشد. گردیزی خود معتبرترین اخبار کتابش را بخش مربوط به دوره غزنویان می‌داند، زیرا حوادث مربوط به آن را به «رأی العین» دیده‌است و این عبارت می‌تواند اشاره به استفاده وی از منابع دیداری باشد.

ایجاز یکی از ویژگی‌های تاریخ‌نگاری گردیزی است. به همین دلیل، وی معمولاً به یک روایت



از یک رخداد قناعت می‌کند و اشاره‌ای به روایات متعدد یا دلیل برگزیدن روایت منقول خود نمی‌پردازد. در ارتباط با راویان اخبار نیز، وی معتقد است که مردم هر قومی قابل اعتمادترین راویان اخبار خود هستند و گاهی به نظر می‌رسد با تأکید بر عبارت «گویند و بعضی گویند»، به متواتر بودن اخبار منقول خود اشاره می‌کند اما به نقد این اخبار نمی‌پردازد.

زین الاخبار شاهدهی مبنی بر اینکه گردیزی از روش مقابله و مقایسه برای سنجش صحت اخبار استفاده کرده‌باشد، در اختیار ما نمی‌گذارد اما با توجه به معقول بودن بیشتر اخبار این کتاب، به نظر می‌رسد که وی از نقل هرگونه خبر خارق‌العاده و عجیبی خودداری کرده‌است. وی همچنین باب هشتم کتاب خود، استخراج تاریخ‌ها از یکدیگر، را به گاهشماری اختصاص داده که شامل مطابقت تاریخ رومی و هجری و تاریخ هندوان و ایران قدیم است (ترکمنی آذر، ۱۳۹۲: ۹۲) و به نظر می‌رسد این روش را در بررسی اطلاعات خود نیز به کار برده‌باشد.

## ۲-۳) شاخصه‌های تاریخ‌نگاری

گردیزی بیشتر اطلاعات کتاب خود را به شیوه کتابخانه‌ای گردآوری و مطالب خود را حول موضوعات مشخص تدوین کرده‌است. وی در ارائه مطالب کتاب خود، بیشتر از روش ترکیبی بهره‌جسته و احادیث و اخبار متعدد پیرامون یک موضوع را جمع‌آوری و به‌صورت مفهومی کلی از آن، ارائه کرده‌است. همچنین بهره‌گیری وی از جداول متعدد و مفصل در ارائه مطالب، بسیار چشمگیر است که دسترسی به اطلاعات را آسان‌تر و سریع‌تر می‌کند و بر ایجاز سخن می‌افزاید. همچنین باید اشاره کنیم که وی با جدا کردن موضوعات فصول و باب‌های کتاب خود، به‌نوعی از روش طبقه‌بندی نیز در ارائه مطالب استفاده کرده‌است.

شیوه ارائه مطلب گردیزی در زین الاخبار، موجب شده که این اثر از انتظام و انسجام قابل ملاحظه‌ای برخوردار باشد. همچنین ایجاز و اختصار، یکی دیگر از ویژگی‌های بارز تاریخ‌نگاری اوست. وی در ذیل هر فرد از هر طبقه، تنها به جنگ‌ها و اتفاقات مهم دوران وی اشاره می‌کند و کمتر به بیان جزئیات می‌پردازد. این ویژگی در بخش‌های نخست کتاب، چشمگیرتر است اما در بخش‌های متأخرتر، اطلاعات احتمالاً به دلیل دست اول بودن، مفصل‌تر ارائه شده‌اند.

از دیگر شاخصه‌های تاریخ‌نگاری گردیزی، می‌توان به پیوستگی حوادث تاریخی اشاره کرد؛ به این معنا که وی با بیان تاریخ دقیق وقایع و کنار هم قرار دادن آنها و برقراری ارتباط بین حوادث مختلف، تاریخ را به‌صورت یک کل منسجم و به‌هم‌پیوسته ترسیم کرده که اجزاء مختلف آن در عین استقلال، به یکدیگر پیوسته و وابسته هستند. به‌عنوان مثال، وی در بیان تاریخ ایران باستان و تاریخ اساطیری آن، پیوندی نیز با اساطیر سامی و تاریخ انبیا برقرار کرده‌است.

همچنین، انصاف و میانه‌روی گردیزی در نقل وقایع تاریخی و خودداری وی از اظهار نظرهای متعصبانه و عاطفی، قابل توجه است. وی حتی با وجود وابستگی به دربار غزنویان، کمتر از آنها جانب‌داری می‌کند و جز در یکی دو مورد، آن‌هم در مخالفت با آل‌بویه، طرفداری خاصی از غزنویان بروز نمی‌دهد و حتی از ترک‌نژاد دانستن دشمنان و پادشاهان بد نیز ابایی ندارد. وی همچنین در مورد افراد مختلف، نظر خود را بدون منفعت‌طلبی و مصلحت‌اندیشی مطرح می‌کند و به نظر نمی‌رسد قصدی مبنی بر مشروعیت‌سازی برای حکومت متبوع خود داشته‌باشد.

## نتیجه‌گیری

گرچه زین الاخبار به‌عنوان یک کتاب تاریخ شناخته می‌شود، اما باید فواید آن را بسیار بیش از یک تاریخ صرف دانست. این کتاب که توسط نویسنده‌ای عالم و منصف به رشته تحریر درآمده، از جنبه‌های مختلفی حائز اهمیت است. گردیزی به‌عنوان یک مورخ، به فرهنگ ایرانی و اسلامی



به یک اندازه اهمیت می‌داده‌است و با کتاب خود، گامی مؤثر در نزدیکی و هم‌ترازی این دو فرهنگ برداشته‌است. وی با دیدی جامع‌الاطراف به نقل تاریخ ایران پیش و پس از اسلام و معرفی فرهنگ‌های مختلف مرتبط با این منطقه می‌پردازد و اطلاعات درخور توجهی در اختیار مخاطب می‌گذارد. گزینش زبان فارسی برای نگارش این کتاب نیز از دیگر عواملی است که می‌توان بر مبنای آن، باور داشت که قصد گردیزی از تاریخ‌نگاری، بازیابی هویت ایرانی در بطن هویت اسلامی بوده‌است. به همین دلیل، بررسی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری وی بسیار اهمیت دارد. وی در نگارش تاریخ خود نیز متفاوت عمل کرده‌است؛ ایجاز، انسجام و انتظام، ویژگی‌های بارز اثر وی هستند که در فصل‌بندی‌ها و استفاده قابل توجه او از جدول، به خوبی خودنمایی می‌کنند. انصاف و عدم سوگیری این نویسنده موجب می‌شود که اطلاعات مذکور در این کتاب را بتوان قابل اعتماد دانست؛ به‌ویژه اطلاعات مربوط به دوره حیات مؤلف که خود نیز به اهمیت آن‌ها اشاره کرده‌است.

در انتها می‌توان نتیجه این گزارش را چنین خلاصه کرد که *زین الاخبار گردیزی*، هم از نظر تاریخ‌نگاری و هم از نظر تاریخ‌نگاری، ویژگی‌های منحصربه‌فردی دارد که آن را شایسته توجه خاص پژوهشگران حوزه‌های مختلف مطالعاتی، از جمله ادبیات، تاریخ، تاریخ فرهنگ و مباحث مربوط به هویت‌سازی ایرانی کرده‌است.

## منابع و مأخذ

- ترکمنی آذر، پروین؛ *تاریخ‌نگاری در ایران (از آغاز دوره اسلامی تا حمله مغول)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۲.
- ترکمنی آذر، پروین؛ *درآمدی بر تاریخ‌نگاری در ایران (از دوره اسلامی تا حمله مغول)*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۵.
- شعبان‌زاده لمر، بهمن؛ «بررسی اندیشه‌های تاریخی - سیاسی مورخان عصر غزنوی با تکیه بر عتبی، بیهقی، گردیزی»، *تاریخ‌نامه خوارزمی*، بهار ۱۳۹۳، سال دوم، شماره ۳، ص ۹۰-۱۱۸.
- گردیزی، ابوسعید عبدالحی بن ضحاک بن محمود؛ *تاریخ گردیزی*، به تصحیح و مقابله عبدالحی حبیبی، تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳.